

حملة اسرائیل به لبنان

نکاتی درباره اصل تناسب در حقوق بین الملل

نوشته Frederic L. Kirgis

منبع: ASIL Insight, August 2006

ترجمه حسن مهدویان

حزب الله مربوط است. حتی در این حوزه کوچک نیز تلاش ما بر این نیست به همه مباحثی بپردازیم که می تواند به اصل تناسب مربوط باشد، بلکه تنها تلاش خواهیم کرد نشان دهیم که: الف) نظر یک دادگاه بین المللی مهم - یعنی دیوان بین المللی دادگستری درباره اصل تناسب به هنگام برخورد با این موضوع (در رابطه با حق دفاع مشروع در چارچوب حق توسل به جنگ) چیست و؛ ب) چگونه نهادی که ارتباط مستقیمی با حقوق بشردوستانه دارد، یعنی کمیته بین المللی صلیب سرخ قواعد حقوق بین الملل عرفی را که می توان آنها را برای داوری درباره رفتار جنگی اسرائیل در لبنان به کار برد، مشخص و شناسایی می کند.

در این مقاله همچنین به موضوع قانونی یا غیر قانونی بودن اقدامات اسرائیل (یا حزب الله) نپرداخته ایم.

دیوان بین المللی دادگستری و اصل تناسب:

حقوق بین الملل عرفی دو شرط برای کاربرد زور در دفاع مشروع مطرح کرده است: ۱) کاربرد زور باید بر اساس اوضاع و شرایط، ضروری باشد؛ و ۲) توسل به

پیشگفتار:

جنگ اسرائیل* و حزب الله لبنان که کشتاری گسترده و نابودی اموال و دارایی ها، چه در اسرائیل و چه در لبنان را در پی داشت موضوعات و بحث های مهمی در چارچوب حقوق بین الملل بر خورده های مسلحانه پیش کشید. حقوق بین الملل ناظر به برخوردهای مسلحانه، شامل حق توسل به جنگ (Jus ad bellum) و حقوق جنگ یا حقوق بشردوستانه (Jus in bello) است. Jus ad bellum حق توسل به نیروی مسلح است که اغلب به اجازه شورای امنیت سازمان ملل در توسل به زور یا کاربرد زور در دفاع از خود بستگی دارد. Jus in bello به حقوق جنگ یا حقوق بشردوستانه ای گفته می شود که در اصل برای حمایت از غیر نظامیان و دارایی های آنها به هنگام بروز برخوردهای مسلحانه وضع شده است.

پرداختن به همه این موضوعات از چارچوب این مقاله بیرون است^۱ و تنها می خواهیم به پرسشهایی پاسخ دهیم که به موضوع تناسب (proportionality) میان اقدامات اسرائیل و اقدامات و یا خطر مطرح شده از جانب

متّحده در دهه ۱۹۸۰ از کنترهای نیکاراگوئه در برابر دولت سان‌دینیست نیکاراگوئه بود، پرداخت؛ با این همه به گونه آشکار دو معنای احتمالی تناسب را از هم جدا نکرد.

دیوان، با اشاره به کمک ایالات متّحده به کنترهای نیکاراگوئه بعنوان ایزاری برای کمک به دفاع السالوادور از خود در برابر شورشیان مورد حمایت نیکاراگوئه در السالوادور، اعلام کرد: «هرچند کمک به کنترها ممکن است با معیار تناسب هماهنگ باشد، اما دادگاه نمی‌تواند اقدامات ایالات متّحده را... در زمینه مین‌گذاری بندرهای نیکاراگوئه و حمله به بندرها، تأسیسات نفتی و دیگر زیرساختهای آن کشور هماهنگ با این معیار بداند. هرچند نمی‌توان کمکهای نیکاراگوئه به مخالفان دولت السالوادور را به درستی تعیین کرد، اما روشن است که... فعالیت‌های ایالات متّحده را... نمی‌توان متناسب با چنین کمکی دانست. همچنین بر این اساس، باید در نظر داشت که واکنش ایالات متّحده در چارچوب دفاع از خود، زمانی دراز پس از دوره‌ای که حمله مسلحانه نیکاراگوئه می‌تواند صورت گرفته باشد، ادامه یافته است.^۳

پرونده سکوه‌های نفتی (دادخواهی جمهوری اسلامی ایران در برابر ایالات متّحده) درباره نابود شدن یک ناوچه جنگی ایالات متّحده در برخورد با مین در خلیج فارس به هنگام جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰، بود. در واکنش به این مین‌گذاری، ایالات متّحده دست به عملیاتی زد و دو سکوی نفتی ایرانی را بعنوان مراکز راداری [به ادعای آمریکا] بمباران و چند ناو و یک هواپیمای ایرانی را نابود کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در این مورد نظر داد که «نمی‌توان حجم و مقیاس کلی عملیات صورت گرفته را نادیده گرفت که افزون بر دیگر موارد، به انهدام دو ناوچه و شمار دیگری از کشتیهای جنگی و یک هواپیمای [ایرانی] انجامیده است. در واکنش به مین‌گذاری که عامل آن مشخص نشده و تنها به تخریب شدید (و نه غرق) یک کشتی جنگی ایالات متّحده انجامیده و به هیچ‌یک از سرنشینان آن هم آسیبی نرسیده است، نه عملیات صورت گرفته و نه حتی بخشی از آن را که منجر به بمباران و تخریب سکوها شده است، نمی‌توان... کاربرد متناسب زور در دفاع از خود دانست.»^۴

اقدام مسلحانه باید متناسب (با موضوع کاربرد زور) باشد.^۲ در این مقاله به شرط نخست یعنی ضرورت نیز نمی‌پردازیم و تنها موضوع تناسب آنهم از منظر تصمیمات و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری را بررسی می‌کنیم. باید یادآوری کرد که تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری درباره دعوی مطرح شده نزد آن، تنها برای طرفهای همان دعوی الزام‌آور است؛ دیگر اینکه آرای این دیوان تنها مشورتی است؛ هرچند که نباید نفوذ و اثر آنها را نادیده گرفت.

موضوع تناسب، هم در قاعده حقّ توسل به جنگ (Jus ad bellum) و هم در حقوق جنگ یا حقوق بشردوستانه (Jus in bello) مطرح است زیرا این موضوع راجع به چگونگی برخورد به هنگام مجاز بودن کاربرد زور است. بنابراین، برای نمونه، یک اقدام مسلحانه دفاعی نباید نامتناسب با حمله‌ای باشد که این اقدام در برابر آن صورت گرفته است (این موضوع به قاعده حقّ توسل به زور یا Jus ad bellum مربوط می‌شود)، و همچنین پاره‌ای از تاکتیکهای به کار گرفته شده در چنین جنگی - اگر به خطر انداختن غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی، نامتناسب با دستاوردهای نظامی مورد نظر باشد - ممکن است حقوق جنگ یا حقوق بشردوستانه (Jus in bello) را نقض کند.

تناسب در چارچوب «دفاع از خود» می‌تواند به این معنی باشد که شدت نیروی نظامی به هنگام دفاع از خود باید با شدت چیزی که به ستیز با آن برخاسته شده است، برابری نسبی داشته باشد؛ یا می‌تواند به این معنی باشد که حتی اگر شدت آن بیشتر است، تا هنگامی که هدف از کاربرد آن تنها حمایت از یکپارچگی سرزمینی یا دیگر منافع حیاتی طرف دفاع کننده باشد، مجاز است. این دو معنی مغایرتی با یکدیگر ندارد. اولی ممکن است بیشتر درباره برخوردهای محدود یا کوچک کاربرد داشته باشد، در حالی که دومی ممکن است بیشتر درباره برخوردهای شدید یا بزرگ کاربرد پیدا کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در مواردی چند درباره اصل تناسب در دفاع از خود نظر داده است.

در شکایت نیکاراگوئه از ایالات متّحده، دیوان به موضوعاتی از حقوق بین‌الملل که مرتبط با حمایت ایالات

از آنجا که کاربرد جنگ افزار هسته‌ای نشان از کاربرد زور به گونه افراطی و شدید دارد، و چون دیوان سناریوی مشخصی که در آن طرف مهاجم جنگ افزار هسته‌ای به کار برده باشد در نظر نداشت، از این رو این امکان را در نظر گرفت که ارزیابی هر دولت از تناسب - دست کم در شرایط ضروری برای بقای خود - بی چون و چرا نباید محدود به میزان و شدت تخریب نیروی نظامی دفاعی در برابر شدت حملات و آسیبهای وارد آمده از سوی نیروی مهاجم باشد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و پاسداری از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ - نهاد مجری و ناظر بر کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های پیوست ۱۹۷۷ - در این زمینه که چه قواعد ویژه‌ای از حقوق بین‌الملل عرفی [در حوزه حقوق بشر دوستانه] را می‌توان از رویه دولتها برداشت کرد، مطالعه‌ای انجام داده است.^۸ براساس این بررسی، همه مقررات زیر در رویه دولتها مورد حمایت قرار گرفته و می‌تواند بعنوان حقوق بین‌الملل عرفی ناظر بر برخوردهای مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی در نظر گرفته شود. انجام دهندگان این بررسی بیش از هر چیز از کنوانسیونها و پروتکل‌های ژنو بویژه پروتکل نخست، الهام گرفته‌اند، اما چون در صدد بیرون آوردن قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بوده‌اند، حتی رویه دولتها یا واحدهایی را که عضو کنوانسیون یا پروتکل خاصی نیستند مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو هر چند یکی از پرسشهای مهم این است که آیا درگیری اسرائیل و حزب الله با توجه به مفاد کنوانسیونها و پروتکل‌های ژنو، از نظر فنی، «بین‌المللی» یا «غیر بین‌المللی» بوده است [چون این برخورد میان يك دولت (اسرائیل) و يك گروه غیردولتی (حزب الله) بوده است نه میان دو دولت]، اما اگر قواعد عرفی یکسانی ناظر بر هر دو نوع تخاصم (بین‌المللی یا غیر بین‌المللی) وجود داشته باشند ایجاد چنین تمایزی ضروری نیست.

پروژه مطالعاتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به روشن شدن چند قاعده عرفی قابل بحث انجامید، که

در دادخواهی جمهوری دموکراتیک کنگو در برابر اوگاندا که رأی آن به تازگی صادر شده است، دیوان بین‌المللی دادگستری به ادعای اوگاندا مبنی بر اینکه کاربرد نیروهای مسلح در کنگو در چارچوب اصل دفاع از خود صورت گرفته است رسیدگی کرد. دادگاه در بخشی از رأی خود آورده است: «تصرف فرودگاهها و شهرهای [جمهوری دموکراتیک کنگو] واقع در صدها کیلومتر آسوی مرز اوگاندا را نمی‌توان با يك رشته حملات مرزی متناسب دانست که به ادعای اوگاندا آن کشور را مجاز به دفاع از خود کرده است.»^۵

در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری که در بالا آمد، اندازه کاربرد نیروی نظامی دفاعی در برابر اندازه حمله مورد توجه قرار گرفته است. البته ممکن است در مواردی که خطرها بسیار شدید بوده است، مانند موردی که حیات يك دولت تهدید می‌شده است، دادگاه هدف از دفاع را در ارزیابی‌اش از تناسب در نظر بگیرد.

دادگاه در رأی مشورتی خود درباره قانونی بودن تهدید به کاربرد جنگ افزارهای هسته‌ای، یا کاربرد آن (پس از بیان مقتضیات و لوازم دو اصل «ضرورت» و «تناسب» در دفاع از خود) یادآور شد: «اصل تناسب ممکن است به خودی خود کاربرد جنگ افزار هسته‌ای در دفاع از خود را در همه شرایط منتفی نسازد.»^۶ دادگاه به روشنی به شرط کاربرد سلاح هسته‌ای برای زدن ضربه نخست بوسیله طرف متخاصم پرداخته است، اما بر اجرای اصول حقوق بشر دوستانه در درگیریهای مسلحانه که هدف از آنها حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در برابر وارد آمدن صدمات و آسیبهای غیر ضروری است، تأکید کرده است.

سرانجام، دادگاه با هشت رأی موافق از پانزده رأی (با رأی مثبت رئیس وقت دادگاه به این موضوع) رأی مشورتی خود را صادر کرد. براساس این رأی هر چند کاربرد جنگ افزار هسته‌ای یکسره مغایر قواعد و مقررات حقوق بشر دوستانه است، اما «دادگاه نمی‌تواند به گونه قطعی و مسلم بگوید که تهدید به کاربرد جنگ افزار هسته‌ای یا به کار گرفتن آن برای دفاع از خود در شرایط بسیار ضرور که دوام و حیات يك دولت به خطر می‌افتد قانونی یا غیرقانونی است.»^۷

عبارت است از:

قاعده ۷: طرفهای برخورد باید همواره میان هدفهای غیرنظامی و هدفهای نظامی فرق بگذارند. حمله تنها باید به هدفهای نظامی باشد.^۹

قاعده ۸: هدفهای نظامی محدود به آنهایی است که از دید ماهیت، موقعیت، منظور یا کاربرد، سهمی مؤثر در اقدام نظامی دارد و تخریب کلی یا جزئی، تصرف یا خنثی‌سازی آنها در شرایط جنگی، دستاورد نظامی بی‌چون و چرایی به‌شمار می‌آید.

قاعده ۱۱: حمله‌های کور (بی‌جدا کردن هدفهای نظامی و غیرنظامی از هم) ممنوع است.

قاعده ۱۲: حمله‌های کور آنهایی است [که] ... به هدفهای نظامی و غیرنظامی یا غیر نظامیان بی‌هرگونه تمایز صورت می‌گیرد.

قاعده ۱۳: حملاتی که با بمباران به هر روش یا با کاربرد هر ابزاری صورت گیرد و چند هدف یکسره جدا از هم واقع در یک شهر، شهرک، روستا یا دیگر مناطق محل تمرکز غیر نظامیان و اهداف غیرنظامی را به‌عنوان یک هدف نظامی در نظر بگیرد، ممنوع است.

قاعده ۱۴: هرگونه حمله که ممکن است سبب از دست رفتن اتفاقی جان غیر نظامیان، زخمی شدن آنها، نابودی اهداف غیرنظامی یا ترکیبی از این موارد شود و در سنجش با بهره‌مندی از مزیت نظامی عینی و مستقیم مورد انتظار، افراطی شمرده شود، ممنوع است.

بهره سخن

در این مقاله در این مورد که در درگیری میان اسرائیل و حزب‌الله چه کارهایی قانونی یا غیر قانونی بوده موضع‌گیری نشده است. منظور، بیشتر، به دست دادن چارچوبی برای تجزیه و تحلیل و معرفی پاره‌ای مواد قانونی و اسنادی بوده است که می‌تواند با بحث درباره چنین مسائلی مرتبط باشد.

پی‌نوشتها و منابع:

* با توجه به اینکه در این مقاله از رژیم صهیونیستی با عنوان دولت اسرائیل یاد شده است، برای رعایت امانت در ترجمه، همان واژه

اسرائیل به کار رفته است.

۱. پاره‌ای از موضوعات مطرح در زمینه برخورد اسرائیل و حزب‌الله ناشی از این واقعیت است که حزب‌الله یک گروه مسلح است نه یک دولت. این موضوعات در مقاله جداگانه‌ای بررسی خواهد شد. تمرکز مقاله کنونی بر رعایت نشدن اصل تناسب در کاربرد زور از سوی اسرائیل، به این معنی نیست که هیچ موضوع قابل مقایسه‌ای در توسل حزب‌الله به زور بر ضد اسرائیل وجود نداشته است.

۲. برای نمونه نگاه کنید به:

The International Court of Justice's Advisory Opinion on Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996 ICJ 226, 35 International Legal Materials 809 (1996), at paragraph 41.

3. Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States), 1986 ICJ 14, 25 I.L.M. 1023 (1986), at Paragraph 237.

4. Case Concerning Oil Platforms (Iran v. United States), 2003 ICJ —, 42 I.L.M. 1333 (2003), at paragraph 77.

5. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of Congo v. Uganda), 2005 ICJ —, 45 I.L.M. 271 (2006), at paragraph 147.

6. Advisory Opinion on Nuclear Weapons, note 2 supra, at paragraph 42.

7. Id., paragraph 105, subparagraph 2. E.

8. Jean - Marie Henckaerts & Louise Doswald-Beck, Customary International Humanitarian Law, Vol. 1: Rules (2005).

هرچند این بررسی را این دو عضو بخش حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام داده‌اند (البته با کمک تنی چند از کارشناسان حقوق بین‌الملل) اما مجری این طرح پژوهشی خود کمیته بوده است. رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ گفته است: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر این باور است که این بررسی ارزیابی درستی از وضع کنونی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه عرفی به دست می‌دهد. همچنین نگاه کنید به ص ۱۱.

۹. این قاعده ناظر به نابودی اتفاقی اهداف غیر نظامی بر اثر حملات مستقیم به اهداف نظامی نیست. نگاه کنید به قاعده شماره ۱۴.